**بسم الله الرحمن الرحیم**

حجت‌الاسلام و المسلمین پناهیان

شب پنجم محرم 94

**هدف میانی و نهایی**

هر کسی با تفکر پیش برود به نتیجه‌ی مطلوب می‌رسد و نیازی به گفتن نیست که این هدف برای او مطلوب است یا نه.

ما در دنیا یک هدف نهایی داریم و یک هدف اکتسابی:

هدف نهایی هم به دو نوع قهری و اکتسابی است:

**هدف نهایی قهری:** يَا أَيُّهَا الْإِنسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ (انشقاق، 6). کسی نمی‌تواند انتخاب کند که در نهایت به دیدار پروردگارش برود یا نرود، بلکه هدف قهری است که او را به آن سمت می‌برند. او را از دالان مرگ و رسیدن به صرای محشر قهراً حرکت می‌دهند. إِنَّا للّه وإِنّا إِلَیهِ رَاجِعُونَ آن رجعت قهری است که همه به سمت خدا برمی گردند.

**هدف نهایی اکتسابی:** این است که من در بهترین حالت که هم خدا از من راضی است و هم من از خدا راضی هستم او را ملاقات کنم.

یاءیتها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه (فجر، 27-28)

بهترین حالت این است که خدا از انسان راضی باشد و هم انسان از خدا. آیا چیز دیگری می‌ارزد که انسان به عنوان هدف اکتسابی خود انتخاب کند.

**هدف میانی:** هر لحظه به خدا نزدیک شدن. **يَا أبَا عَبْدِ اللهِ ، إنِّي أتَقَرَّبُ إلى الله وَإلَى رَسُولِهِ ، وَإلى أمِيرِ المُؤْمِنينَ ، وَإلَى فاطِمَةَ ، وإلى الحَسَنِ وَإلَيْكَ بِمُوالاتِكَ**. هر کسی در این محرم هر چه قدر به خدا نزدیک شد، سعادت او و توان او و قیامت او همین است و دیگر بیشتر از این نخواهد شد. در پرتو ابا عبدالله و در مجلس ایشان تا این حد توانست پَر بگیرد و پرواز کند و بعد از آن دیگر نمی‌تواند.

تقرّب، هدف محرم ماست. من هر بار که زیارت عاشورا می‌خوانم و به مجلس می‌رودم می‌خواهم به خدا تقرب بجویم. هدفی که من تا زمانی که به خدا برسم، این است که هر لحظه با هر عملی به خدا نزدیک شوم. در این مورد هم خودتان فکر کنید که آیا می‌ارزد که جور دیگری زندگی کرد؟

خَابَ الْوَافِدُونَ عَلَى غَيْرِكَ وَ خَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلاَّ لَكَ‏ (مفاتیح)

كسى كه بر غير تو وارد شود محروم است و آنكه به غير تو رو كند زيانكار است

ما همین گونه که در این مجلس نشسته‌ایم در صحرای محشر هم مجلس همین گونه است و به ازای زمانی که غفلت کرده‌ایم هم جزایش را می‌بینیم.

جوان‌ها از مرگ فرار نکنید. مرگ اندیش باشید. تفکر در مورد مرگ برای جوانان است. نگذارید عوام شما را فریب دهند. انسان باید در جوانی تکلیف خودش را با خودش روشن کند.

مرگ اگر مرد است آید پیش من تا کشم خوش در کنارش تنگ تنگ

غایت قهری ما را سر غایت اکتسابی نگه می‌دارد.

از قرآن کریم هم می‌توان به عنوان متن تفکر استفاده کرد. کسی که قرآن بخواند فکرش نورانی می‌شود.

ادعیه را گاهی شروع کنید به مطالعه کردن و کنجکاوی‌تان را در این موارد تحریک کنید و بخواهید که بدانید امام سجاد و خداوند چه گفته‌اند.

ما اگر این سخنان را به عنوان یک کارگاه برای اصلاح نفس خود در نظر بگیریم؛ برخی این مطالب را فقط می‌شنوند و عملی نمی‌شود. شاید محرم سال آینده دیر شده باشد! شوخی نیست!

هم در تک‌تک ما و هم در جامعه‌ی ما یک مشکلی هست، یک گیری هست، با این حد از علم و ایمان و محبت ما باید جلوتر از اینجا باشیم؟

ماها واقعاً چه کم داریم؟ فرض می‌کنیم که هدف با تفکر انتخاب شده است. بیشتری تمرکز خود را باید در چه جایی صرف کنم؟

مواردی که ممکن است مشکل و گیر کار ما باشد در موارد زیر است:

* **علم**

گیر ما در آگاهی نیست. آگاهی ما همین مقدار که در فضا پراکنده است کافی است. از در و دیوار و مدرسه و دانشگاه به ما می‌رسد. نسبت به آن حداقلی که برای یک حرکت مؤثر نیاز است بیشتر است. در آن حرکت مؤثر ما خودمان مطالعه می‌کنیم و به نتایجی می‌رسیم. برای رزمندگان کلاس احکام نمی گذاشتند بلکه خودشان رساله‌های مراجعشان را مطالعه می‌کردند. ما همین مقداری که می‌دانیم کافی است.

آیت‌الله بهجت می‌فرمودند: «شما به عمل به آنچه می دانید محتاج تر هستید تا به دانستن آنچه نمی دانید.» از نظر آیت‌الله بهجت هیچ‌کسی نادان نیست.

نگویید این پدر من، خانواده‌ی من، همسایه‌ی من است من باید او را هدایت کنم، او را رها کنید اگر می‌خواست مطلب را بگیرد تا کنون گرفته بود. مشکل ما آگاهی نیست.

داشتن علمی که ثمر ندارد مانند داشتن بشکه‌ای از بنزین داخل ماشین است ولی داخل ماشین نمی‌ریزند تا حرکت کنند.

*علم بیش از حد:*

علم را هم اگر بیشتر بکنید ضرر دارد. علم اگر بیشتر شود ولی عمل ثمر آن نباشد فایده‌ای ندارد و مصداق این آیه خطاب می‌شود.

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا (جمعه، 5)

چندین واحد معارف اسلامی در دانشگاه‌ها هست ولی نیاز نیست. خیلی از کتاب‌های دینی مدرسه را هم حذف بکنند، بهتر است. خوب در کنار آن چند واحد راه رفتن هم بگذارید! خوب داریم راه می‌رویم چه کنیم راه می‌رویم. چرا وقت ما را می‌گیرید؟ چند واحد هم برای تنفس می‌گذاریم، که چگونه نفس بکشیم.

دین را چگونه فرض کرده‌اید. این‌ها یک سکولاریسم پنهان در آن است.

* **ایمان**

ایمان هم نیست. همین مقدار ایمانی که داریم کافی است. به چه چیزی ایمان نداریم؟ به معاد؟ به خدا؟ به وحی و نبوت؟ همین مقداری که داریم کافی است. آقا یقینمان تا آن اندازه نیست که مانند عرفا، عمل کنیم! آیا شما بیش از این ایمان می‌خواهید که چه کارکنید.

برخی از انسان‌های گناه‌کار، با اینکه آتش جهنم را چشیده‌اند، ولی هنگامی که خداوند آن‌ها را دوباره روی زمین قرار می‌دهد آن‌ها به ظلم و جورشان ادامه می‌دهند.

ایمان همین اندازه که دارید کافی است. من خواهش می‌کنم ایمان بیش از این هم نخواهید که ضرر دارد. در سوره‌ی مائده است .

*ایمان بیش از حد:*

إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَاعِيسىَ ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَن يُنزَِّلَ عَلَيْنَا مَائدَةً مِّنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُواْ اللَّهَ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ\* قَالُواْ نُرِيدُ أَن نَّأْكُلَ مِنهَْا وَ تَطْمَئنِ‏َّ قُلُوبُنَا وَ نَعْلَمَ أَن قَدْ صَدَقْتَنَا وَ نَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ الشَّهِدِينَ\* قَالَ عِيسىَ ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنزِلْ عَلَيْنَا مَائدَةً مِّنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لّأَِوَّلِنَا وَ ءَاخِرِنَا وَ ءَايَةً مِّنكَ وَ ارْزُقْنَا وَ أَنتَ خَيرُ الرَّازِقِينَ \* قَالَ اللَّهُ إِنىّ‏ِ مُنزَِّلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَن يَكْفُرْ بَعْدُ مِنكُمْ فَإِنىّ‏ِ أُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَّا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِين (مائده، 112 -115)

 در آن هنگام كه حواريون گفتند: «اى عيسى بن مريم! آيا پروردگارت مى‏تواند مائده‏اى از آسمان بر ما نازل كند؟» او (در پاسخ) گفت: «از خدا بپرهيزيد اگر با ايمان هستيد!» (112)

گفتند: « (ما نظر بدى نداريم،) مى‏خواهيم از آن بخوريم، و دلهاى ما (به رسالت تو) مطمئن گردد و بدانيم به ما راست گفته‏اى و بر آن، گواه باشيم.» (113)

عيسى بن مريم عرض كرد: «خداوندا! پروردگارا! از آسمان مائده‏اى بر ما بفرست! تا براى اول و آخر ما، عيدى باشد، و نشانه‏اى از تو و به ما روزى ده! تو بهترين روزى دهندگانى!» (114)

خداوند (دعاى او را مستجاب كرد و) فرمود: «من آن را بر شما نازل مى‏كنم ولى هر كس از شما بعد از آن كافر گردد (و راه انكار پويد)، او را مجازاتى مى‏كنم كه احدى از جهانيان را چنان مجازات نكرده باشم (115)

* **محبت**

راز رشد ما در محبت است؟ خیر، محبت ما هم کافی است. من کسانی را می‌شناسم با اشک اباعبدالله حسین را تیرباران کردند. عمر سعد با اشک‌ریزان میان خیمه‌ها بود و می‌گفت خیمه‌ها را غارت نکنید.

شدید تر از فتنه‌ی دجال، فتنه‌ی آخر زمان است که خراب شدن دوستان امام زمان است.

إنّ ممّن ینتحلُ مودّتنا أهلَ البیت، من هو أشدُّ فتنةً علی شیعتِنا من الدّجّال. فقلتُ: به ماذا؟ قال: به موالات أعدائِنا و معاداةِ أولیائِنا. إنّه إذا کان کذلک، اختلطَ الحقُّ بالباطل و اشتبهَ الأمرُ فلم یُعرَف مؤمنٌ من منافق؛

همانا از کسانی که مدعی مودت ما اهل‌بیت هستند، کسی هست که در فتنه‌گری، برای شیعیان ما از دجال شدیدتر است. (راوی) گفتم: برای چه؟ (امام) گفت: به خاطر دوستی با دشمنان ما و دشمنی با دوستانمان. چون چنین شد، حق با باطل آمیخته می‌شود و مؤمن از منافق بازشناخته نمی‌شود.

مودت بی‌اثر هم داریم. در جریان امام حسین (علیه‌السلام) داریم که «قلوبهم معک و سیوفهم علیک»

*محبت بیش از حد:*

احترام بی‌جایی که یک فرد به غلام امام گذاشت موجب شد دشمنی که نزد آن فرد بود غلام را کتک بزند. دلیل این احترام بی جای او این شد که ماری او را نیش زد.

اگر جایی چند نفر را سرمی برند و جلوی آن‌ها را گیری، مار شما را نیش می‌زند.

رفتارهای زیادی از سر محبت برخی انجام می‌دهند به طور مثال فرض کنید، حضرت یعقوب بگوید پیراهن یوسف را آورده‌اید؟! من یوسف را می‌خواهم پیراهن چیه؟ مانند کسی که می‌گوید من فقط خود امام زمان را می‌خواهم هر چه علما شبیه ایشان باشند مهم نیست. من فقط حسین را می‌خواهم روضه از شهدا نخوانید ها.

* **عمل**

عمل نداریم هان ... ؟ ما دیگر چه داریم؟ فقط عمل می‌ماند که نداریم. عمل داریم ولی قبول نمی‌شود و اثری ندارد. چرا توفیق عمل نداریم. برخی توفیق عمل را داریم ولی آن اثر خودش را ندارد.

می‌خواهم خوبی‌هایم بدی نباشد و از یک مسیر میانبر حرکت کنم. به قول آن عارف که می‌گفت: خدا اگر به خاطر نمازهایمان عذابمان کند خیلی لطف کرده است. حد اقل خوبی‌هایی که داریم ما را به مقصد برساند و آنچه از خوبی‌ها که ما انجام نداده‌ایم را به پای ما بنویسد.

*عمل بیش از حد:*

عمل زیادی هم داریم. تو را خدا عمل زیادی انجام ندهید عجب و غرور می‌آورد. ای کاش گناه کنید ولی کاری را انجام ندهید که غرور پیدا کنید. (حدیث پیامبر)

عمل بی‌اثر، علم بی‌ثمر، ایمان بی‌نتیجه، محبت بی‌جا موقوف. راه اینکه همه‌ی این‌ها درست باشد چیست؟ همیشه آدم با غفلت از چیزهای خیلی آسان ضرر می‌کند. قیامت را یوم الحسرت به این دلیل نام نهادند. روز قیامت حسرت می‌خوریم و خاک به سر خودمان می‌ریزم که چرا آقای بهجت نشدیم و می‌توانستیم بشویم. چرا چون آسان بوده شبیه ایشان شدن ولی نشدیم.

علم ایمان محبت یک حلقه‌ی واسطی با عمل دارند توجه به این حلقه‌ی واسط مثمر ثمر واقع می‌کند، علم و ایمان و محبت را و خود عمل را اگر خود حلقه هم وجود داشته باشد، حتی بدون عمل نتیجه می‌دهد. این حلقه‌ی واسط اثر از خود عمل بیشتر است. این حلقه یک اتفاقی دیگری هم در آن می‌شود، که خودش علم و ایمان و محبت را افزایش می‌دهد. این حلقه هم امکان عمل درست می‌کند و هم عمل را سال و مثمر ثمر می‌کند. حلقه‌ی مفقوده‌ی دنیای ماست. و ابلیس لئیم پست ما را همیشه سر همین حلقه بدبخت می‌کند. فقط کافی است که به این حلقه توجه نکنید تا هدف شیطان را محقق کنید .

این حلقه‌ی مفقوده «نیت» است. نیت قربت الی الله است. خدایا من این کار را انجام می‌دهم برای اینکه به تو نزدیک شوم. خدایا من می‌خواهم این کار را انجام دهم. اگر روی نیت کار نکنیم می‌شویم قابیل. آن‌قدر آدم بدی می‌شوید با کار خوب خودت که حاضر می‌شوی که هابیل را بکشی. گیر تو گناه کردن نیست گیر تو وقت‌هایی هست که کارهای خوب می‌کنید ولی نمی‌گویید خدایا به امید تو.

فردی روی کرد به اما صادق گفت: گفت آقا من تشنه‌ای می‌خواهم هورت آب را بالا بکشم. حضرت فرمودند: عیبی ندارد ولی بسم‌الله بگو که مثل حیوان آب نخوری.

چرا نیت نمی‌کنید؟ آقا نیت به چه معناست؟

در دنیا هیکل و عمل مهم است در آخرت نیت و هدف مهم است. در این دنیا دنیازده نشویدها.

خدا از ما نیت می‌خواهد و عمل را هم از جهت صدق نیت می‌خواهند.

شاید به شما توفیق عمل نمی‌دهند به این دلیل که نیت را خراب نکنید.

خدایا من می‌خواهم به خاطر تو کمی بی‌کار باشم و یا فحش بدهم. خیر این غلط‌ها را که کسی برای خدا انجام نمی‌دهد.

وَالَّذينَ جاهَدوا فينا لَنَهدِيَنَّهُم سُبُلَنا ۚ وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ المُحسِنينَ (عنکبوت، 69)

کسی در جنگ احد آمده بود و جز مسلمان‌ها نبود و هر چه به او می‌گفتند اسلام بیا. گفت نه بابا به من برخورد و مردانگی به من فشار آورد و از درد به خود می‌پیچید و هر چه به او اصرار کردند که ایمان بیاورد گوش نداد. در نهایت خنجر را روی سینه خود گذاشت و فشار داد و مرد. به پیامبر که گفتند ایشان فرمودند خیر آلان در آتش غوطه ور است.

«انما قدرالله عون العباد بقدر نیاتهم»

هر کسی نیت او کامل تر باشد کمک خدا برای او بیشتر است. نیت هم کاری دارد. روز قیامت می‌خواهید بگویید که من نمی‌توانستم نیت کنم؟!

خدا چه چیزی از ما خواسته است؟ فرموده است نیت کند نماز شب بخواند تا صبح نور بر او می‌بارد.

قَالَ الصَّادِقُ (علیه السلام): إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ یَحْشُرُ النَّاسَ عَلَی نِیَّاتِهِمْ یَوْمَ الْقِیَامَةِ (كافی، ج 5، ص 20)

آقا یک کسانی را به بهشت،می‌برند که تعجب می‌کنید.

کسی پس از پایان جنگ جمل به رکاب امیرالمؤمنین آمد و گفت: دوست دارم در جنگ بدر رکاب شما بودم. قنبر چیزی از غنائم باقی است؟ او می‌گوید نه فقط سهم خود شما مانده است. گفت: به او بده. سهمت از غنائم است بگیر. همان نیت کافی است.

صلی الله علیک یا اباعبدالله